

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیدهاشم سدید

۰۳ جون ۲۰۱۶

محترم آقای ن. عزیز!

یادداشت شما را که عنوانی آقای "عباسی" نوشته بودید در دریچه نظریات پورتال "افغان جرمن-آنلاین" خواندم. من را به بحث شما با آقای "عباسی" کاری نیست، زیرا ایشان خود سواد و قلم و دلایل خود را دارند و می توانند جواب پرسش ها و تذکرات شما را که به ایشان مربوط می شود، بدهند.

من تنها به آن قسمت از نوشته تان می پردازم که مربوط به من می شود. سؤال من از شما محترم این است که یک انسان باید تا چه وقت در برابر بد زبانی های یک انسان بد زبان گذشت کند؟ از شما انتظار انصاف بعید است. زیرا شما و امثال شما که زیادتر در یک سایت جمع شده اید عادت نموده اید که حقیقت را فدای مصلحت و دوستی و رابطه ها کنید.

آیا شما بد زبانی کسی را که من در برابر شان از همان زبانی استفاده کرده ام که ایشان در برابر من استفاده کرده است، نمی بینید؟ از این بد زبانی هم وقت زیادی نمی گذرد. اطمینان دارم که حافظه شما هنوز آنقدر ضعیف نشده است که سخنی را بعد از تقریباً یک هفته فراموش کنید!

شاید نوشته این انسان بد زبان در سایت "تول افغانستان" چون وقت نسبتاً زیادی از آن می گذرد فراموش تان شده باشد. از این نوشته چیزی بیشتر از هفت ما می گذرد. خواهش من از شما قاضی شریف و عادل این است که لطف فرموده یک بار سری به آن سایت بزنید و آن مقاله پر از فحاشی رفیق بد زبان و جنون زده تان را پیدا کنید و بخوانید. بعد از خواندن آن و جواب من که طی مقاله "هاشمیان، تجسم کاملی از حماقت" عنوانی وی نوشته شده بود، کلاه خود را روی میز رو به روی تان بگذارید و به خود بگوئید که آیا نوشتن آن چنان کلماتی شائسته یک انسان با فرهنگ است یا خیر؟ من در همان زمان بعد از خواندن آن مقاله مملو از دشنام طی مقاله "هاشمیان، تجسم کاملی..." نوشتم:

"انسان هوشیار هیچ وقت کسانی دیگر را، هر قدر با آن ها بد باشد، به بی ناموسی متهم نمی کند، زیرا می دانند که دیگران هم، هم از نظر قلم و هم از نظر زبان و بیان و جرأت این توانائی را دارند که اگر بخواهند از زبان مشابه و رویه بالمثل در برابر وی کار بگیرند و همان کلماتی را در برابر وی به کار ببرند که او در برابر دیگران به کار برده است - حتی رکیک تر از آن ها را!"

بنابراین کسی که به عزت و آبرو و نام و ناموس خود احترام می‌گذارد و آن را گرامی می‌دارد و آرزو ندارد که دیگران سخن بدی به وی و ناموسش به کار ببرند، اگر عقل داشته باشد، کوشش می‌کند که از گفتن بد و رد به ناموس دیگران خودداری کند و پای زن و فرزند خود و دیگران را در مشاجراتی که بین خودش و دیگران وجود دارد شامل نسازد.

من شخصاً با همه اخلاق ناشائست و حرف‌های درشت "هاشمیان" به زن و دختر و خواهر و مادر این انسان احمق هزار سلام می‌فرستم، اما دیگران شاید به چنین عملی دست نزنند و از روی درد بسیار به کسانی که ناموس این دیوان شناخته می‌شوند ناسزا های بسیار آبدار و رکیکی بدهند و..."

خلاصه این که من با زبان رسا و حتی خر فهم برایش فهماندم که از دادن دشنام و گفتن سخنان سخت به دیگران دست بردار چون دیگران هم می‌توانند چنین حرف‌ها را به شما بگویند، اما این انسان احمق این هشدار را جدی نگرفت و باز با آن که غائله آن زمان پایان یافته بود خود را در امری که اصلاً به او ارتباط نمی‌گرفت دخیل ساخت و سخن زشت و غیر قابل قبول به من گفت. امکان ندارد شما آن نوشته مرا نخوانده باشید، اما باوجود این امروز قضاوت تان چنان است که احتمالاً بی‌انصاف‌ترین انسان هم بر آن خرده خواهد گرفت.

شما از جمله همان انسان‌هایی هستید که به ایشان می‌گویند: "کور خود و بینای مردم." قبل از قضاوت در باره دیگران لطفاً سر تان را به گریبان خود کنید و مانند یک انسان، به جای این که به من می‌تازید از یخن آن رفیق بد زبان و فحاش تان بگیریید که چرا زمینه بروز این چنین فضائی را فراهم کرده و فراهم می‌کند. **ولی حیف است، پیش کله خر و یاسین خواندن!!!!**

گناه شما نیست، گناهی کسی است که شما را باید یک مثقال انصاف می‌داد، ولی غفلت کرد یا یادش رفت شاید هم لازم ندید چون می‌دانست که تو موجود بی‌انصاف را اگر انصاف هم بدهد آن را به جایش به کار نخواهی برد.

۱۶/۲/۰۲۰۰۶